

Section 2

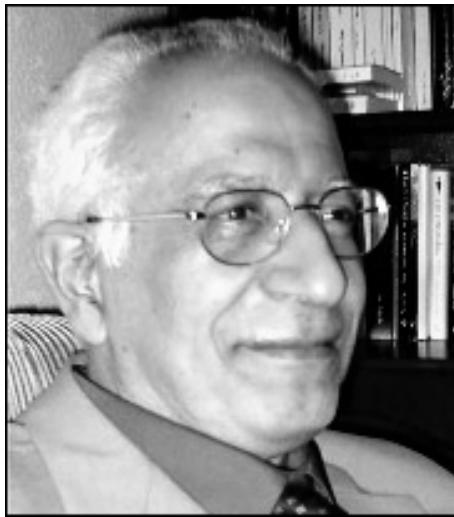
بخش دوم

تهی دستانی که به خاطر فقر اعدام می شوند

دکتر حسین باقرزاده

hbzadeh@btinternet.com

سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷ - ۶ مه ۲۰۰۸



واز مجازات جان سالم به در برده اند. این است پیام صریح قانون قصاص نظام برخاسته از مستضعفان جمهوری اسلامی ایران.

مقامات جمهوری اسلامی در دفاع از قانون قصاص، مرتباً از نقش عبرت انگیز آن برای جامعه و تأثیر آن در جلوگیری از قتل و آدم کشی سخن می گویند. در این که تا چه حد قصاص توانسته است در جلوگیری از قتل و آدم کشی مؤثر باشد تجربه خود جمهوری اسلامی از همه گویا تر است. نزدیک سه دهه از استقرار این نظام و اجرای قانون قصاص می گذرد. در این فاصله هزاران نفر در اجرای این قانون اعدام شده اند. در عین حال، نه فقط هیچ نشانی از کاهش جنایات قتل و آدم کشی در این دوره سی ساله دیده نمی شود و بلکه برآمار قتل و جنایت مرتباً افزوده شده است. نگارنده، در یک بررسی تحقیقی در سال ۱۳۷۹ نشان داد که چگونه جنایات قتل و آدم کشی از زمان وقوع انقلاب تا سال ۱۳۷۶ سیر تصاعدی داشته است و در دوره ۱۸ ساله ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۶، آمار قتل عمد در ایران از ۲۴۴ به ۱۲۹۱ صعود کرده است، یعنی افزایشی معادل ۴۳۰ درصد؛ و آمار قتل غیر عمد از ۱۹۲ به ۹۲۲ تن رسیده است، یعنی افزایشی معادل ۳۸۰ درصد؛ که حتی با محاسبه افزایش جمعیتی در این سالها، باز هم با افزایش نسبی واقعی این جنایات به حد سه برابر روبرو بوده ایم. (۱)

به عبارت دیگر، قانون قصاص اگر نتیجه عبرت آمیزی داشته، در کاهش جنایات نبوده است. به عکس، اجرای این قانون با

افزایش موج قتل و آدم کشی همراه بوده است. علاوه بر این، این قانون صریحاً با ایجاد گزینه های اعدام یا دیه، جان آدمی را به صورت یک کالا در معرض معامله قرار داده است. قانون، قاتل محکوم به مرگ را همچون برده ای در اختیار بازماندگان مقتول می گذارد تا آن را به بهای دلخواه خود بفروشند. با این تفاوت که خریدار این کالا جز خود قاتل نمی تواند باشد، و اگر قاتل نتواند آزادی خود را بخرد، صاحب کالا می تواند او را سر به نیست کند. یعنی بازاری به مراتب خشن تر و ضد انسانی تر از بازار بردگان. اگر برده می توانست چشم براه خریداری بنشیند و به حیات خود در خدمت اربابی تازه ادامه دهد، محکوم به قتل بی بضاعت کمترین شانس برای ادامه زندگی خود ندارد. او فقط می تواند آزاد شود، اگر پول داشته باشد، یا به کیفر بی پولی خود بمیرد.

در دوران رواج بردگی در بازارهای اروپا و آمریکا، اسانداوستان زیادی برای لغو آن مبارزه کردند تا سرانجام در این مبارزه موفق شدند. در طول این سالیان، اما خشونت های بردگی ادامه داشت و مشاهده آن دل هر انسان آزاده ای را می آزرده. مخالفان بردگی در ضمن مبارزه برای لغو آن تا آنجا که در امکان داشتند برای نجات بردگان تلاش می کردند. از جمله، آنان بردگان را می خریدند و آزاد می کردند. امروز که ما شاهد خشونت های ناشی از اعمال قانون قصاص در مورد تهی دستان هستیم نیز چاره ای جز طی کردن این راه نداریم. یعنی در عین مبارزه برای لغو این قانون ضعیف کش، باید تا آنجا که در توانمان هست کمک کنیم تا کمتر کسی به خاطر ضعف مالی جانش را از دست بدهد. تا به حال بسیاری از محکومان به قصاص به این طریق از مرگ نجات یافته اند. اکرم مهدوی یکی دیگر از اینان است که در آستانه مرگ قرار دارد. به کمک او بشناییم. (۳)

۱- نوشته تکان دهنده آسیه امینی درباره اکرم مهدوی را در اینجا ببینید:
http://www.roozonline.com/archives/2008/05/post_7243.php

۲- تفصیل این گزارش را همراه با آمار سالانه قتل و آدم کشی در سالهای یاد شده در نشانی زیر ببینید:
<http://archiv.iran-emrooz.net/bagerzadeh/1379/bagerz791013.html>

۳- برای کمک به نجات جان اکرم مهدوی به نشانی زیر مراجعه کنید:
<http://saveakram.blogspot.com>

به مراتب قوی تر و شدیدتر است. این نظام قضایی، در واقع خیلی عظیم تهی دستان گرفتار در منازعات منجر به قتل را در یک منازعه خشن عاطفی ضد انسانی درگیر می کند. خانواده مقتول داغ دیده اند و عزادار و سزاوار همه نوع حمایت معنوی و مادی از سوی جامعه و حکومت. در مقابل، حکومت به جای فراهم آوردن این حمایت ها حداکثر کاری را که می کند این است که قاتل را دستگیر کند و سرنوشت او را به دست بازماندگان مقتول بسپارد. گزینه های حکومت هم سه چیز بیش نیست: ۱- قاتل را عفو کنید، ولی کمتر داغ دیده ای است که بتواند قاتل عزیز از دست رفته خود را به آسانی ببخشد و آزادی او را شاهد باشد. ۲- جان او را بخواهید، کاری که حس انتقامجویی بسیاری از داغ دیدگان را ارضا می کند، ولی از نظر جزایی تأثیری جز ترویج خشونت ندارد. ۳- به قاتل اجازه دهید تا، اگر توان آن را دارد، با پرداخت پول (دیه) جان خود را بخرد و برود. و بازماندگان مقتول بجای این که شاهد مجازات انسانی و عبرت انگیز قاتل باشند باید در یک کشمکش عاطفی شدید یکی از سه گزینه عفو-خون-پول را انتخاب کنند.

در مواردی که خانواده مقتول نیاز مادی به دریافت پول داشته باشند (که همان طور که در بالا آمد، در جرایم قتل غالباً چنین است) گزینه پول البته قوی تر خواهد بود. اکنون، امکان و توان مالی قاتل است که می تواند سرنوشت مرگ و حیات او را رقم بزند. یعنی او اگر مال و منالی داشته باشد می تواند زنده بماند، و اگر نه، باید بمیرد. یعنی او اگر اعدام می شود این امر به خاطر قتلی نیست که انجام داده است و بلکه به خاطر این است که پول ندارد. یعنی او با مرگ خود تاوان ناداری خود را می پردازد. یعنی او به دلیل فقر محکوم به مرگ شده است. یعنی در جمهوری اسلامی، توانگری می تواند بکشد و با پرداخت دیه جان خود را از مرگ نجات دهد (تا باز اگر خواست به پشتوانه توان مالی خود دیگرانی را هم بکشد) و ناتوان راهی جز پرداخت جان خود را ندارد. یعنی به گفته خانم مینا عفرفری، وکیل اکرم مهدوی در آستانه اعدام، «دیه راهی است که افراد ثروتمند را از مجازات نجات می دهد». (۱)

به عبارت دیگر، این فقط ساختار استبدادی و ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی نیست که نظام قضایی فاسد و سیاست زده آن را به شدت ضعیف کش و فقیر کش کرده است و بلکه قوانین جزای آن نیز این خصوصیت ضعیف کشی و فقیر کشی را در سطح جامعه گسترانده اند. قانون دیه از یک سو، افراد تهی دستی را که نمی توانند پول مطالبه شده از خانواده مقتول را بپردازند محکوم به مرگ می کند، و از سوی دیگر به ثروتمندان اجازه می دهد که به آسانی نه فقط از مرگ و بلکه از مجازات نیز فرار کنند. و چه پیام عبرت انگیزی این قانون به همراه دارد: ای ثروتمند از کشتن تهی دستان اطراف خویش دغدغه به خود را مده. کافی است آن قدر پول داشته باشی که بتوانی خانواده مقتول را راضی کنی. و البته اگر در بین آنان کسی سرکشی کرد و به دریافت پول در برابر رضایت خود تن نداد، تهدید به (یا ارتکاب) قتل او می تواند گره گشا باشد. هرچه فرد ثروتمندتر، کشتن (یا تهدید به قتل) افراد تهی دست برای او راحت تر و بی دردسترتر. و کم نیستند ثروتمندان و صاحب مکتان در جمهوری اسلامی که مرتکب قتل شده اند

نظام قضایی ایران ضعیف کش و فقیر کش است. این را همه می دانیم. این را از کاربرد وسیع و بی رویه اعدام های جنایی و سیاسی که قربانیان آن اکثر افراد تهی دست و بی پناه و بی پشتیبان هستند می دانیم. از کاربرد منظم آزار و شکنجه های جسمی و روانی می دانیم. از کشتن مکرر کودکان بزهکار می دانیم. از احکام طلاق که غالباً به نفع مردان صادر می شود می دانیم. از وثیقه های سنگینی که برای آزادی متهمان سیاسی، مطبوعاتی و مدنی بر آنان تحمیل می کنند می دانیم. از خشونت های شدیدی که علیه اقلیت های قومی و مذهبی اعمال می شود می دانیم. از کسان فراوانی که به خاطر دیون مالی، و گاه بسیار کم، به سال ها زندان محکوم می شوند می دانیم. از زندانیان بی کس و کاری که مدت ها بلا تکلیف و بدون محکومیت عمر خود را در بازداشت می گذرانند می دانیم. از مصونیت یا تبرئه کردن مقامات رژیم و وابستگان آنان از مجازات جنایاتی که مرتکب می شوند می دانیم. از نا علنی کردن داد گاهایی که احیاناً به جرایم مقامات رژیم و وابستگان آنان می پردازند می دانیم. از فرار از مجازات مجرمانی که بتوانند با پول یا امکانات دیگر قاضی و یا دادستان را بخرند می دانیم.

این خصوصیات البته منحصر به نظام قضایی جمهوری اسلامی نیست، و می توان نمونه های مشابه آن ها را کم و بیش در همه نظام های قضایی فاسد و سیاست زده رژیم های استبدادی و ضد دموکراتیک دید. ولی در برخی از این موارد، جمهوری اسلامی در سطح جهانی رکورد شکن است. مثلاً هیچ کشور دیگری همانند ایران کودکان بزهکار را نمی کشد (یکی دیگر از اینان به نام بهنود شجاعی به اتهام قتلی که در ۱۷ سالگی او اتفاق افتاده است هم اکنون در آستانه اعدام قرار دارد). یا به طور سرانه، هیچ رژیم دیگری در جهان به اندازه جمهوری اسلامی ایران اسیر کشی (اعدام) نمی کند. و در هر دو مورد یاد شده، تهی دستان و ضعیفان بزرگترین قربانیان آن هستند. یعنی، به تعریف دقیق کلمه، نظام قضایی ایران ضعیف کش ترین و فقیر کش ترین نظام قضایی در سطح جهانی است. از همه اینها گذشته، در نظام قضایی جمهوری اسلامی بر سر جان انسان ها معامله می شود. کسی دیگری را کشته است. سرنوشت قاتل را نه اصول و مقررات جزا و کیفر و بلکه پول تعیین می کند. اصول و مقررات جزا می گوید که مجرم باید مجازات شود؛ که مجازات باید انسانی باشد و نه انتقامجویانه؛ که مجازات در بازسازی مجرم، به صورت فردی یا اجتماعی، مؤثر باشد؛ که مجازات باز دارنده باشد؛ که مجرم صرف نظر از موقعیت یا توان و امکانات مالی و اجتماعی خود، به خاطر جرم مشابه مجازات برابر ببیند؛ که هیچ کس نتواند به پشتوانه امکانات خود از مجازات فرار کند. ولی در جمهوری اسلامی، قانون به بازماندگان مقتول اجازه می دهد که جان قاتل را بطلبند، یا در ازای دریافت پول به او اجازه حیات دهند.

یعنی جان قاتل در گرو حس انتقامجویی یا پول طلبی بازماندگان مقتول از یک سو، توان قابل برای پرداخت پول از سوی دیگر، است. و با توجه به این که در جنایات قتل و آدم کشی، قربانی نیز غالباً از طبقات کم درآمد و محروم جامعه است، انگیزه و نیاز بازماندگان مقتول برای پول طلبی از قاتل

خطر نوع سوم: تلاشی از درون

حسین باقرزاده سه شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷ - ۲۰ مه ۲۰۰۸

در طول حیات خود، جمهوری اسلامی با یک خطر جدی از نوع سوم نیز روبرو باشد: تلاشی از درون. جمهوری اسلامی از بدو پیدایش خود، به دلیل ماهیت واپس گرایانه و ضد دموکراتیک اش، همواره آسیب پذیر بوده است. این رژیم که از یک انقلاب کور به صورت ناقص الخلقه به دنیا آمد نه با جهان مدرن و انسان زمان خود سنجی داشت و نه می توانست به حمایت دموکراتیک مردم خود متکی باشد. او دنیای امروز را دشمن خود می دید؛ از یک سو در برابر جهان خارج موضع پرخاش گویانه و خصومت آمیزی گرفت و از سوی دیگر نمی توانست کمترین مخالفتی را در درون کشور تحمل کند. از این رو، رژیم در طول حیات خود همواره رفتاری

جمهوری اسلامی در طول حیات سه دهه خود با خطرات زیادی مواجه بوده است. این خطرات نوعاً از دو ناحیه متوجه رژیم می شده است. یکی خطر کودتا، شورش یا سرنگونی از درون، و دیگری حمله نظامی از بیرون. این دو نوع خطر گاه جدای از هم شکل می گرفته و گاه با هم عجین یا همراه می شده است. گاه این خطرها جدی و واقعی بوده است و گاه ساخته و پرداخته ذهن توطئه پرداز خود سردمداران نظام. و در هر حال، رژیم و عوامل آن توانسته اند این خطرها را یکی پس از دیگری دفع کنند و نظام جمهوری اسلامی را تا کنون بر سرپا نگهدارند. اکنون نیز اگرچه خطر شورش و سرنگونی از درون به صورت بالفعل وجود ندارد، رژیم جمهوری اسلامی با یک خطر جدی خارجی روبرو است. مهتر از آن این که شاید، برای اولین بار

دکتر داریوش نوریانی
 متخصص در روانشناسی بالینی و روان درمانی فردی و زناشویی
Dariusch Nouriani, PhD, MFT
 Licensed Marriage & Family Therapist

✳️ درمان بحران های روحی، عاطفی و انواع اعتیاد
 ✳️ روانکاوی تحلیلی و تعبیر خواب در حل مشکلاتی که سد راهتان می شوند
 ✳️ دارای برد تخصصی در مشاوره امور زناشویی، خانوادگی و مشکلات کودکی

با بیش از ۲۷ سال تجربه
 در دو دفتر: **San Jose** **San Francisco**
(408)821-7500 **(415)345-8977**

فروشگاه مواد غذایی سوپر تهران
 انواع میوه و سبزیجات، نان تازه
 انواع شیرینیجات، آجیل، حبوبات، لبنیات...
 کلیه مایحتاج مواد غذایی خود را
 از سوپر تهران تهیه فرمایید.
(925) 825-1500
 1112 Meadow Lane, Concord, CA 94520

BLUE COLLAR BAIL BONDS

24-Hour Service * Confidential * We Come to You!

در صورتیکه توسط پلیس دستگیر شدید، موارد زیر را رعایت کنید:

- ۱- با مؤسسه Blue Collar Bail Bonds تماس بگیرید 888-438-6880
- ۲- با هیچکس به غیر از وکیلتان گفتگو نکنید
- ۳- وکیلی مناسب استخدام کنید
- ۴- مادامیکه در انتظار رسیدن مهلت دادگاه تان هستید عمل غیرقانونی دیگری انجام ندهید
- ۵- در دادگاه با رفتاری شایسته و لباسی مناسب حضور بهم رسانید
- ۶- خود را از قبل برای گذراندن دورانی در زندان، از لحاظ مالی و روحی آماده کنید.

Six Important Steps to Follow if Arrested:

- 1- Call Blue Collar Bail Bonds @ 888-438-6880
- 2- Do not talk to anyone, except a lawyer
- 3- Find the right attorney
- 4- While you wait for your court appearance, lead a very law-abiding life and do not break any more laws
- 5- Behave and Dress Appropriately in court
- 6- Prepare for Jail Time ahead of time, emotionally and financially

Contact us today for additional information

WET Corporation (Owner)
 همکاران فارسی زبان ما آماده خدمت به شما میباشند!
 We specialize in Quick Release!
(408)318-4400
(888)438-6880 Bail License#1844088 **(888)GETOUTO**